

## بررسی و نقد کتاب تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام)

جواد حسین‌زاده ساداتی\*

### چکیده

فرهنگ و هنر ایران آن‌چنان پیچیده و غنی است که بیش از یک‌سده است که پژوهش‌گران به کشف و توصیف و توضیح آن پرداخته‌اند و هم‌چنان نیز در وصف آن قلم می‌زنند. کتاب تاریخ فرهنگ و هنر ایران نیز از جمله کتاب‌هایی در این زمینه است که برای معرفی فرهنگ و هنر ایران در دوران پیش از اسلام به دانشجویان و علاقه‌مندان تهیه و تدوین شده است. نگارنده در این کتاب تلاش کرده است تا با دیدگاهی در زمانی (Diachronic) به معرفی و بحث (هرچند مختصر) در مورد ابعاد مختلف هنر و فرهنگ ایران پیش از اسلام بپردازد. چنین تلاش‌هایی قطعاً در آشنایی نسل جوان کشور با فرهنگ‌های گذشته جامعه ایران و به‌ویژه ایران باستان مفید است و در وضعیت امروزی که بحران هویت گریبان جامعه ما را گرفته راه‌گشا خواهد بود. نوشتار حاضر نخست، این اثر را معرفی می‌کند و چهارچوب شکلی و محتوایی آن را بررسی و توصیف می‌کند. سپس، هم در مورد شکل و هم در مورد محتوا پیش‌نهادهایی را ارائه می‌کند که نگارنده امیدوار است در صورت به‌کارگیری آن‌ها در چاپ‌های بعدی کتاب، موجب بهبودی کیفی آن شود و نگارندگان کتاب را هرچه بیشتر به هدف اصلی‌شان نزدیک کند.

**کلیدواژه‌ها:** ایران باستان، باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، هنر.

---

\* عضو هیئت‌علمی گروه باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان، گرایش پیش از تاریخ  
javadhoseinzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

## ۱. مقدمه

بررسی فرهنگ و هنر ایران در دوران پیش از اسلام تاکنون موضوع اصلی بسیاری از نوشته‌ها و نگارش‌ها بوده است و توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است. با مروری به فهرست آثار و نوشته‌هایی از این دست درمی‌یابیم که درکل این‌گونه آثار را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد؛ دسته نخست، شامل کتاب‌ها، مقالات، و نوشته‌هایی می‌شوند که به قصد توصیف، تحلیل، توضیح، و تفسیر فرهنگ و هنر ایران در دوران پیش از اسلام نگاشته شده‌اند و هریک به فراخور حال، به تفصیل یا به تخیل در این باره قلم زده‌اند، اما دسته دوم، شامل آن گروه از نگارش‌ها و تقریراتی می‌شوند که به هدف آموزش و معرفی فرهنگ، هنر، و آثار این دوران به دانشجویان و دیگر اقشار جامعه نگاشته شده‌اند و هدف آن‌ها انتقال آن چیزی است که تا اندازه‌ای از آن‌ها شناخت حاصل شده است. کتاب *تاریخ فرهنگ و هنر ایران* (پیش از اسلام) نیز دراصل کتابی است آموزشی که بیش‌تر برای معرفی هنر و فرهنگ ایران باستان به دانشجویان رشته‌های مختلفی مانند تاریخ، باستان‌شناسی، مطالعات تاریخی، معماری، و هنر که با فرهنگ و هنر ایران باستان سروکار دارند تدوین شده<sup>۱</sup> است و چندان دیگر اقشار جامعه را مخاطب خویش قرار نداده است. این اثر که اثری بیش‌تر توصیفی و کم‌تر تحلیلی است، شامل گردآوری مطالب و موضوعات مختلف درمورد تاریخ و فرهنگ ایران در دوره‌های مختلف پیش از تاریخ و دوران تاریخی ایران است. این کتاب که در شش فصل تنظیم شده، از یک چهارچوب زمانی و تاریخی منظم معمول پیروی می‌کند؛ به گونه‌ای که درابتدا، با معرفی کهن‌ترین آثار تاریخی و فرهنگی به دست‌آمده در ایران آغاز شده است و سپس براساس یک سیر منظم تاریخی هنر و فرهنگ دوره‌های جدیدتر (تا پیش از ورود اسلام به ایران) بررسی شده است. فصل نخست کتاب به معرفی بسیار مختصر فرهنگ و هنر پیش از تاریخ ایران (Prehistory) اختصاص دارد. فصل دوم، با مقدمه‌ای درمورد سرزمین و فرهنگ عیلام (Elamite) آغاز شده و سپس، به جنبه‌های مختلف هنری و فن‌شناختی این دوره اشاره می‌شود. در فصل سوم نویسندگان درباره دوره ماد قلم زده‌اند و درمورد ورود اقوام آریایی (Aryan) و سپس تشکیلات سیاسی و اجتماعی و نیز هنر و معماری این دوره مطالبی را گرد آورده‌اند. فصل چهارم کتاب به دوره هخامنشی اختصاص یافته که فصلی بس مفصل‌تر از فصول پیشین کتاب است. در این فصل، نویسندگان بسیاری از جنبه‌های هنری، فرهنگی، اقتصادی، دینی، و فن‌شناختی دوره هخامنشی را بررسی کرده‌اند و درمورد هریک به کوتاهی

مطالبی را بیان کرده‌اند. کتاب در فصل پنجم با مختصر توصیفی از دوره سلوکی در ایران آغاز شده است و سپس، فرهنگ و هنر اشکانیان را بررسی می‌شود. این فصل از کتاب که به‌مانند فصل پیشین (فصل سوم) تا اندازه‌ای پرپیمانه‌تر از دو فصل نخست است، اصلی‌ترین ویژگی‌های فرهنگ و هنر پارتی را موردهدف قرار داده است، آثار هنری و معماری آن را معرفی می‌کند. فصل پایانی کتاب که فرهنگ و هنر دوران ساسانی، آخرین سلسله پادشاهی در ایران پیش از اسلام، اختصاص یافته است، طولانی‌ترین فصل کتاب است و به تقریب حدود یک‌سوم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. در این فصل، نویسندگان به برخی از جزیی‌ترین جنبه‌های فرهنگ و هنر این دوران، مانند شکار و خوردنی‌ها و موسیقی و حتی عجایب بارگاه خسرو پرویز نیز اشاره کرده‌اند. پایان‌بخش کتاب نیز کتاب‌نامه اثر است و کتاب پیوست یا اضافاتی را شامل نمی‌شود.

## ۲. نقد ویژگی‌های صوری و ساختار کتاب

همان‌طور که اشاره شد، کتاب براساس یک سیر تاریخی منظم و مشخص تدوین شده است و زمان و تاریخ چهارچوب صوری کتاب را تعیین کرده‌اند، اما در درون این چهارچوب و داربست تاریخی نگارندگان از یک دسته‌بندی دیگری استفاده کرده‌اند که جنس آن نه از جنس تاریخ، بلکه از جنس سیاست است. بدین معنا که نگارندگان در کتاب تاریخ ایران را برپایه پیدایش حکومت‌های سیاسی به مراحل کوچک‌تر تقسیم‌بندی کرده‌اند که البته الگویی آشنا در نگارش کتاب‌ها و مقالات تاریخی است. استفاده از چنین چهارچوب‌های زمانی و تاریخی در کلیت و هم‌چنین، استفاده از تقسیم‌بندی‌های جزیی‌تر سیاسی یکی از ویژگی‌های شایسته کتاب است که موجب درک بهتر سیر تحول و تطور فرهنگ و هنر یک سرزمین (در این جا ایران زمین) می‌شود، اما زمانی که به تقسیم‌بندی‌های جزیی‌تر در درون هر فصل می‌نگریم به‌نظر می‌رسد که نگارندگان اندکی سلیقه‌ای‌تر عمل کرده‌اند و از یک الگوی مشخص و یک‌دست پیروی نمی‌کنند. مثلاً، در فصل نخست کتاب که به دوران پیش از تاریخ تا دوران عیلام اختصاص یافته است، فقط سه زیرعنوان پارینه‌سنگی (Paleolithic) و نوسنگی (Neolithic) و شهرنشینی (Urbanism) دیده می‌شود، اما زمانی که به فصل‌های بعدی کتاب می‌نگریم، با زیرعنوان‌های بسیار خردتر و ریزتر مواجه می‌شویم. مثلاً، در فصل پنجم که مربوط به دوران سلوکی و اشکانی است حتی به پرورش اسب در این دوران نیز اشاره شده است (که البته موضوعی مهم است)، اما نگارندگان در فصل

نخست کتاب از دوران پیش از تاریخ که دوره‌ای بس طولانی و درعین حال پراهمیت است، بسیار باشتاب گذر کرده‌اند. این شتاب‌زدگی منجر به کم‌اهمیت‌شدن دوران پیش از تاریخ در نزد مخاطب شده است و تأثیر فرهنگ‌های این دوران در دوران سپسین را نادیده می‌گیرد. از طرف دیگر، در همان فصل نخست نگارندگان از واژه‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی و شهرنشینی استفاده کرده‌اند که دو واژه نخست، یعنی پارینه‌سنگی و نوسنگی بیش‌تر نوعی تقسیم‌بندی فن‌شناختی (Technological) هستند، اما پس از آن‌ها واژه شهرنشینی می‌آید که بیش‌تر جنبه جامعه‌شناختی و معیشتی دارد و چندان با دو واژه نخست سنخیت ندارد. اگر نگارندگان پس از واژه‌های «دوران پارینه‌سنگی» و «دوران نوسنگی» از واژه «دوران مفرغ» استفاده می‌کردند، هم‌گونی بیش‌تری را در زیر‌عنوان‌های این فصل به‌وجود می‌آوردند. البته از طرف دیگر، اگر شیوه اقتصادی و اجتماعی در تقسیم‌بندی این فصل مدنظر بود، می‌شد از واژه‌های «دوران شکار و گردآوری خوراک (Hunting and Gathering) و چراگردی»، «دوران کشاورزی (Farming and Herding) و روستانشینی»، و «دوران شهرنشینی» استفاده کرد و انسجام صوری فصل را بیش‌ازپیش حفظ کرد. در تقسیم‌بندی‌های فصول بعدی کتاب این وضعیت بهتر شده است و زیر‌عنوان‌ها از نظر واژه‌شناسی و مفهوم سنخیت بیش‌تری با یک‌دیگر دارند.

نکته دیگر درباره شکل صوری و چهارچوب کتاب تقسیم حجم کلی کتاب بر تعداد فصل‌های آن است. با وجود این‌که نگارندگان تلاش کرده‌اند تا حجم کلی کتاب را به‌طور مساوی بر تعداد فصول در نظر گرفته‌شده در کتاب تقسیم کنند و در حد امکان حجم فصل‌های کتاب از نظر تعداد صفحات در مقایسه با یک‌دیگر چندان نوسان نداشته باشد (که در بیش‌تر فصول کتاب موفق بوده‌اند)، به‌نظر می‌رسد که در برخی از فصل‌ها، مانند فصل نخست و فصل سوم چندان موفق نبوده‌اند. مثلاً، فصل نخست فقط ۱۴ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و فصل سوم حدود ۱۲ صفحه، اما فصل چهارم که در مورد دوران هخامنشی است حدود ۶۰ صفحه و فصل ششم که در مورد دوران ساسانی است حدود ۷۵ صفحه را شامل می‌شود. البته باید اشاره کرد که بخشی از این توازن‌نداشتن به میزان اطلاعات قابل‌دست‌رسی و کار پژوهشی انجام‌شده در هر یک از این دوره‌ها برمی‌گردد که در برخی دوره‌ها پژوهش‌های کم‌تری صورت گرفته (مانند دوره عیلام و ماد) و برخی دوره‌های تاریخی نیز هدف بسیاری از پژوهش‌گران و محققان بوده است (مانند دوره هخامنشی یا ساسانی). نکته دیگری که در فصل‌بندی کتاب وجود دارد در یک‌دست‌نبودن مطالب موجود در درون هر فصل است. مثلاً، در فصل دوم که به فرهنگ و هنر دوران

عیلام اختصاص یافته است و به سه دوره عیلام قدیم، میانه، و جدید تقسیم‌بندی شده، مخاطب شاهد تفاوت در زیرعنوان‌هاست. در زیر سرعنوان «هنر ایلام قدیم» سه زیرعنوان «نقش برجسته»، «پیکره‌سازی»، و «مهرسازی» آورده شده است، اما در زیر سرعنوان «ایلام میانی» ما شاهد زیرعنوان‌های «معماری»، «پیکره‌سازی»، و «نقش برجسته» هستیم و سپس در زیر سرعنوان «هنر ایلام جدید» فقط هنر نقش برجسته بررسی شده است و از دیگر جنبه‌های هنری یا معماری یا مهرسازی خبری نیست. با وجود این که این سوءگیری و توازن‌نداشتن در توصیف و معرفی آثار و جنبه‌های فرهنگی و هنری هر دوره در دیگر فصول تا این اندازه نمایان نیست، چشم مخاطبان تیزبین را به خود جلب می‌کند.

یکی از نکاتی که در بیش‌تر کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتب درسی تاریخی، چندان رعایت نمی‌شود و همیشه یکی از مشکلات اصلی دانشجویان و آموزگاران و اساتید است، نبود تصاویر و طرح‌های مناسب و باکیفیت در چنین کتاب‌هایی است. خوش‌بختانه یکی از نقاط قوت اصلی این اثر وجود تصاویر و طرح‌های بسیار باکیفیت و رنگی است که متناسب با متن هستند و از نظر جاگزینی نیز درست در همان صفحات مرتبط با متن قرار گرفته‌اند و از این نظر، تلاش صفحه‌آرا و حساسیت نگارندگان بسیار قابل تقدیر است؛ با این حال، تعداد بسیار اندکی از تصاویر، به‌ویژه نقشه‌ها، در کتاب وجود دارند که برخلاف دیگر تصاویر کیفیت مناسبی ندارند؛ مثلاً، شکل ۴-۱ نقشه قلمرو هخامنشیان، ۴-۲۷ پلان کاخ کوروش، شکل ۵-۱ قلمرو سلوکیان، شکل ۵-۲ قلمرو اشکانیان، شکل ۵-۱۰ نقش برجسته مهرداد دوم، شکل ۶-۱ قلمرو ساسانیان. اگر در ویراست‌های بعدی کتاب این نقشه‌ها نیز مانند دیگر تصاویر کتاب، اندکی باکیفیت‌تر ارائه شوند، قطعاً بر ارزش کتاب خواهد افزود. در کنار استفاده از تصاویر بسیار مناسب و باکیفیت یکی دیگر از نقاط قوت اصلی کتاب، روانی و سادگی متن و استفاده از زبانی گویا و ختبی در توصیف و توضیح موضوعات مختلف در هر فصل و هر بخش است. از آنجایی که مخاطب اصلی کتاب دانشجویان هستند و هدف اصلی کتاب نیز آموزش و انتقال مطالب است، این ویژگی، یعنی روان‌خوانی و ساده‌نویسی اثر هرچه بیش‌تر هدف نگارش کتاب را برآورده می‌کند و این نشان از تسلط و آگاهی نگارندگان به موضوع و هدف اصلی کتاب و پای‌بند بودن به آن دارد.

از ویژگی‌های مهم دیگر در ساختار صوری کتاب‌ها که در پذیرش یا رد آن‌ها نزد مخاطب تأثیر فراوان دارد، صفحه‌آرایی کتاب است. در این جا باید اشاره کرد که انتخاب فونت، اندازه، چینش صفحات، هماهنگی متن با تصویر، یک‌دست‌بودن شروع و خاتمه فصول در صفحات فرد و زوج همگی به‌دقت و وسواس خاصی اجرا شده است که از

ویژگی‌های تحسین‌برانگیز کتاب است. با وجود تلاش‌های فراوان، چندجایی در کتاب وجود دارد که ترتیب و نظم سطور به هم ریخته است و از چشم صفحه‌آرا و مصححان کتاب به دور مانده است. مثلاً، در صفحه ۳ کتاب در پاراگراف دوم در سطر دوم، جمله در وسط سطر قطع شده است و ادامه آن در سطر بعد که خود به صورت یک پاراگراف مجزا است، ادامه دارد. یا در صفحه ۵ برای اشاره به استقرارگاه‌های دوران نوسنگی در ابتدای جمله که نیازی به استفاده از کلید Tab نبود، از آن استفاده شده است و در ابتدای جمله اندکی جای خالی وجود دارد. یا در صفحه ۵۰ در سطر آخر، با وجود این که جمله تمام شده و پاراگراف پایان یافته است، نقطه‌ای گذاشته نشده است. در صفحه ۸۵ کلمه «صخره‌ای» به حرف اضافه «به» چسبیده‌اند و به صورت سر هم به شکل «صخره‌ایبه» درآمده است. در برخی از صفحات نیز در جایی که باید از فاصله استفاده شود از فاصله مجازی استفاده شده که باعث شده دو کلمه جدا از هم در کنار یکدیگر قرار گیرند و به یکدیگر بچسبند.

مبحث دیگری که در مورد شکل صوری اثر مورد توجه است جنبه حرف‌نگاری و استفاده از یک الگوی استاندارد مشخص در شکل واژه‌ها و اصطلاحاتی است که ممکن است به چندین شکل نوشته شوند. در این اثر در این مورد چندین سخت‌گیری نشده و نگارندگان در جاهای مختلف کتاب، گه‌گاه از واژه‌هایی یک‌سان، اما با نگارشی متفاوت به فاصله اندکی از هم استفاده کرده‌اند. مثلاً لوحه‌های گلی (Tablets) اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد که روی آن‌ها علائم اقتصادی و شمارشی ابتدایی نقش شده، به منزله لوحه‌های آغاز عیلامی (Proto Elamite) معروف هستند. در صفحه ۷ از واژه «ایلامی متقدم» استفاده شده، اما در ادامه در پاراگراف بعد از واژه «پروتو عیلامی» استفاده شده است. قطعاً در چنین کتاب‌هایی مطلوب آن است که از واژه‌های استاندارد استفاده شود و در صورت استفاده از دو یا چند واژه با معنای یک‌سان، در پانویس در مورد آن‌ها توضیح داده شود. نکته مهم دیگر در این جا این است که معمولاً برای جلوگیری از اختلاط معنایی ایلام (نام یک واحد سیاسی مدرن) و عیلام (نام یک فرهنگ و دوره باستانی) در متون تخصصی و علمی واژه عیلام را برای یک دوره فرهنگی و تاریخی ایران زمین به کار می‌برند که محدوده زمانی (۲۷۰۰ تا ۶۳۹ پیش از میلاد) و مکانی مشخصی را (جنوب غرب ایران) شامل می‌شود و واژه ایلام به استان و شهرستان ایلام اطلاق می‌شود که یکی از تقسیم‌بندی‌های سیاسی مدرن است، اما در این کتاب از واژه «ایلام» برای فرهنگ و تمدن عیلام باستان استفاده شده است که چندین در متون علمی و تخصصی رایج نیست. در صفحه ۸۵ کتاب واژه فروهر که به معنای روح و نیروی جاودانی حیات است، در چندین مورد به صورت «فروه‌هر» نوشته

شده، اما همین واژه در صفحه ۹۱ و ۹۳ به صورت «فروهر» آمده است. در صفحه ۱۰۶ تلفظ درست واژه بابلی Egibi به صورت «اگیبی» است که در متن به شکل «اجی بی» آمده است. در ادامه همان صفحه واژه «موراشو» (Murashu) که اسم خاص یک بانکدار در دوران هخامنشی در میان رودان است به صورت «موراشی» نوشته شده است که با توجه به زیرنویس انگلیسی آن در همان صفحه، احتمالاً اشتباهی نگارشی است. در صفحه ۱۴۴ در بخش تدفین‌های اشکانی زمانی که به تدفین‌های تابوتی به دست آمده از کاوش‌های فرانسوی‌ها در شوش اشاره می‌شود، به Demecquenem, 1343: 737 ارجاع می‌دهد، اما در بخش ارجاع‌ها، این منبع به صورت Demecqunem 1943 آمده که صورت اخیر آن درست است و در متن کتاب احتمالاً به علت اشتباهات نگارشی حالت نادرست آن آمده است. در مجموع، باید گفت که با وجود این نقص‌ها و کاستی‌های جزئی که معمولاً در همه کتاب‌ها دیده می‌شود، صفحه‌آرایی و ویراستاری کتاب تا اندازه زیادی قابل قبول است و قطعاً در ویراست‌های بعدی چنین کاستی‌ها و نقص‌هایی رفع خواهند شد.

### ۳. نقدی بر محتوا و درون‌مایه کتاب

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام یکی از موضوع‌های جذاب برای پژوهش‌گران حوزه تاریخ بوده است و نگارندگان مختلفی در مورد آن قلم زده‌اند. نگارندگان کتاب تاریخ فرهنگ و هنر/ایران (پیش از اسلام) نیز به هدف فراهم آوردن منبعی درسی برای دانشجویانی که در رشته‌های مرتبط تحصیل می‌کنند، این اثر را تدوین کرده‌اند و تا اندازه زیادی در نائل شدن به هدف خویش نیز موفق بوده‌اند. از جمله ویژگی‌های اصلی کتاب این است که با وجود حجم نه‌چندان زیاد صفحات (۲۳۰ صفحه) توانسته است بسیاری از ابعاد فرهنگی و هنری ایران از دوران پیش از تاریخ (هرچند بسیار کوتاه و مختصر) و دوران تاریخی را (به‌طور مفصل‌تر) معرفی کند و دامنه گسترده‌ای از ویژگی‌های این دوران را به‌نگارش درآورد و این از امتیازات آن است. یکی از ویژگی‌های برجسته دیگر کتاب، اختصاص فصلی هرچند کوتاه، به دوران تاریخی عیلام و تمدن شکوفای آن است. در بیش‌تر منابعی که تاریخ ایران را بررسی کرده‌اند، تمدن عیلام و این دوران تاریخی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز که به‌باور بسیاری از متخصصان تاریخ و باستان‌شناسی یکی از شکوفاترین دوران حیات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و هنری ایران زمین است، از نظر دور مانده و حتی اشاره‌ای به آن نشده است، اما در این اثر نگارندگان به خوبی به ضرورت اشاره به این فرهنگ و تمدن آگاهی داشته‌اند و دوران

تاریخی ایران را شروع دوران عیلام دانسته‌اند که نشان از دقت نظر و تسلط آن‌ها بر تاریخ ایران دارد. نکته دیگر این که نگارندگان کتاب تلاش کرده‌اند تا بی‌طرفی و قضاوت‌نکردن را در مباحث رعایت کنند و تاجایی که امکان دارد از ارزش‌داوری به‌دور باشند و با زبانی خنثی فرهنگ و هنر دوران‌های مختلف پیش از اسلام ایران را توصیف کنند. این خویشتن‌داری و متانت در توصیف تاریخ و فرهنگ ایران معمولاً موضوعی است که از چشم بیشتر نویسندگان ایرانی که در مورد تاریخ ایران قلم زده و می‌زنند، به‌دور مانده و می‌ماند، اما این اثر تا اندازه زیادی در مهار این کشش درونی موفق بوده است.

همان‌طور که گفته شد، کتاب از نظر زمانی و موضوعی، قلمرو تاریخی وسیع و طیف گسترده‌ای از موضوعات را شامل می‌شود. از این‌رو، قطع یقین تسلط بر تمامی این قلمرو تاریخی و موضوعی از عهده یک یا دو پژوهش‌گر و نویسنده خارج است و از این‌رو وجود برخی کاستی‌ها و غفلت‌ها در برخی موضوعات امری طبیعی است؛ با این حال، به نظر می‌رسد که نگارندگان در مورد دوران‌های تاریخی جدیدتر اطلاعات دقیق‌تری داشته‌اند و بر منابع مسلط‌تر بوده‌اند تا دوران کهن‌تر پیش از تاریخ. از همین‌رو، برخی مباحث در کتاب وجود دارد که به نظر اندکی کهنه به نظر می‌رسد و اکنون در مباحث روز آن حوزه چندان مورد توجه نیست و بحثی از آن‌ها نیست. مثلاً، در فصل نخست کتاب با عنوان «دوران پارینه‌سنگی (غارنشینی، جمع‌آوری غذا)» باید اشاره کرد که اکنون دیگر واژه غارنشینی چندان در ادبیات علمی و دانشگاهی برای دوران پارینه‌سنگی استفاده نمی‌شود و بیش‌تر اصطلاحی غیر تخصصی و عمومی برای این دوران است؛ چراکه انسان‌ها در دوران پارینه‌سنگی بیش‌تر اوقات خود را به‌منظور کسب خوراک در محیط‌های باز و دشت‌ها سپری می‌کردند و فقط برخی از مواقع سال را در درون غارها می‌گذرانده‌اند. علت اصلی یافت شدن آثار دوران پارینه‌سنگی در درون غارها و پناه‌گاه‌های صخره‌ای (Rock Shelter) این است که نوشته‌های باستانی در این مکان‌ها کم‌تر در معرض فرایندهای فرسایش طبیعی بوده است و کشف این محل که فقط یکی از مکان‌های مورد استفاده گروه‌های انسانی در گذشته بوده آسان‌تر و دم‌دست‌تر است (دورتیه ۱۳۸۹).

در فصل دوم کتاب، یعنی «فرهنگ و هنر عیلام» نگارندگان به‌خوبی تمدن عیلام و تقسیم‌بندی‌های خردتر آن را معرفی می‌کنند. در این فصل که به سه بخش کوتاه‌تر دوران عیلام قدیم، میانه، و جدید تقسیم شده، موضوعاتی مانند فرهنگ، مذهب، معماری، و هنر (مهرسازی، پیکره‌سازی، نقش‌برجسته) معرفی و مورد بحث واقع می‌شود، اما در میان این مباحث جای نگارش و خط و زبان عیلامیان خالی است. یکی از مهم‌ترین تحولات دوران



عیلام پیدایش و اقتباس خط است که نقشی بس مهم در سرنوشت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی این تمدن داشته است. نگارندگان فقط در صفحه ۱۹ کتاب در توضیحی بسیار کوتاه در چند سطر اشاره می‌کنند که «از زبان ایلامی که از نظر دستوری پیوندی است، اطلاع دقیقی در دست نیست و دانش زبان‌شناسی به‌طور قاطع به ریشه زبان آن‌ها پی نبرده است.» در مورد خط عیلامیان نیز در پاراگراف بعد فقط در سه سطر به آن اشاره شده است. در این جا شایسته بود که نگارندگان دست‌کم به اختصار نیز در این مورد قلم می‌زدند و عنوانی از این فصل را به خط و زبان عیلامی اختصاص می‌دادند. این کاستی در مورد خط و زبان اشکانیان نیز دیده می‌شود و در عنوان‌های مربوط به فصل پنجم که دوران سلوکی و اشکانی را بررسی می‌کند، عنوان یا زیرعنوانی به زبان و خط اشکانیان اختصاص نیافته است.

در فصل سوم کتاب که درباره دوره ماد است مخاطب شاهد بررسی ابعاد بیش‌تری از فرهنگ و جامعه ماد است و درعین حال از هنر این دوران چندان سخن به‌میان نمی‌آید. این وضعیت درست حالت عکس آن چیزی است که در فصل دوم شاهد بودیم، یعنی تأکید بر تعداد خاص و محدودی از هنرهای دوران عیلامی، درحالی‌که چندان جنبه‌های سیاسی و اجتماعی این دوران که بسیار جذاب است بررسی نشده است. از طرفی، باید اشاره کرد در یک دهه اخیر بسیاری از انگاره‌های اساسی باستان‌شناختی در مقایسه با دوره ماد دگرگون شده است و بسیاری از اندیشه‌های پیشین دیگر محلی از اعراب ندارند؛ باین‌حال، در این فصل هم‌چنان بر برخی از انگاره‌هایی که اکنون دیگر توافق‌چندانی روی آن‌ها نیست تأکید شده است. مثلاً، در بحث شهرسازی که در صفحه ۴۷ کتاب آمده، محوطه باستانی هگمتانه در شهر همدان به‌منزله همان هگمتانه‌ای که مرکز حکومت ماد بوده است و در منابع تاریخی آمده در نظر گرفته شده است و این درحالی است که کاوش‌های اخیر باستان‌شناختی انجام‌شده در این محوطه این نظر را تأیید نمی‌کند (آذرنوش ۱۳۸۶؛ ملازاده و طاهری دهکردی ۱۳۹۰).

در فصل چهارم کتاب که به فرهنگ و هنر دوران هخامنشی اختصاص یافته، شاهد معرفی و توصیف جنبه‌های زیادی از فرهنگ، هنر، معماری، خط، زبان، و شیوه معیشت این دوران هستیم و نگارندگان توانسته‌اند اطلاعات تقریباً فراگیری را از این دوران شکوفا ارائه کنند<sup>۳</sup>، اما در فصل پنجم این کتاب که به فرهنگ و هنر دوران سلوکی و اشکانی اختصاص یافته باوجوداین که در این فصل فرهنگ و هنر دوران اشکانی به‌خوبی و تقریباً به‌طور مفصل موردتوصیف و توضیح قرار گرفته است، اما در مورد دوران سلوکی فقط به

معرفی بسیار کوتاهی از نحوه نفوذ یونانیان در ایران و ارتباطشان با ایرانیان اشاره شده است و به معرفی پنج شهر یا محوطه دوران سلوکی بسنده کرده است که به‌سختی پنج صفحه از کتاب (صفحات ۱۱۳ تا ۱۱۸) را به خود اختصاص داده است. در این‌جا ما توصیفی از فرهنگ و هنر دوران سلوکی، که به‌گواه خود نویسندگان دوره‌ای تأثیرگذار در حیات فرهنگی و هنری ایران بوده است، نمی‌بینیم و جا داشت که اندکی بیش‌تر درمورد این دوران قلم زده می‌شد. فصل پایانی کتاب که درباره فرهنگ و هنر دوران ساسانیان است مفصل‌ترین فصل کتاب است و همان‌طور که گفته شد، حدود یک‌سوم کل کتاب را به خود اختصاص داده است. در این فصل تقریباً هیچ جنبه‌ای از فرهنگ و هنر ساسانیان نیست که از چشم نگارندگان دور افتاده باشد و تا اندازه‌ای تمامی جنبه‌های این دوره بررسی شده است. بسیار مطلوب بود اگر نگارندگان چنین رویه‌ای را در فصل‌های دیگر، یعنی فصل نخست، دوم، و سوم کتاب نیز در پیش می‌گرفتند.

درمورد استفاده از منابع برای تدوین کتاب باید گفت که نگارندگان تلاش کرده‌اند تا از منابع موثق و متخصصان در هر زمینه استفاده کنند. باوجوداین که در بیش‌تر موارد از منابع درست و دست‌اول استفاده شده است، در برخی موارد در کتاب منابع به‌روزتر و دست‌اول‌تری نیز وجود دارد که نگارندگان از آن‌ها استفاده نکرده‌اند. مثلاً، درمورد منابع بخش پارینه‌سنگی، منابع جدیدتر و دست‌اول‌تری مانند (Biglari و Vahdatinasab 2007) نیز وجود داشته‌اند که اطلاعات دقیق‌تر و به‌روزتری را ارائه می‌کرده‌اند. یا در صفحه ۵ و ۶ که درمورد تپه سیلک در کاشان توضیح کوتاهی ارائه شده است، ارجاع به جیمز ملارت (Mellaart 1975) است که جزو منابع دست‌اول نیست و این درحالی است که کتاب سیلک در دو جلد به قلم رومن گیرشمن کاوش‌گر فرانسوی محوطه وجود دارد و به زبان فارسی نیز ترجمه شده و در دست‌رس است (گیرشمن ۱۳۷۸، گیرشمن ۱۳۸۹). یا در صفحه ۱۹ زمانی که نگارندگان به دوره عیلام میانه اشاره می‌کنند برای ارجاع به ساخت‌وسازهای شهر دوراوتناش (DurUntash) یا همان چغازنبیل به حریریان و دیگران ارجاع می‌دهند؛ باوجوداین که این کتاب منبع مناسبی است، اما جزو منابع دست‌اول مرتبط با موضوع به‌حساب نمی‌آید و این درحالی است که منبع دست‌اولی مانند چغازنبیل نوشته رومن گیرشمن (گیرشمن ۱۳۷۳) که کاوش‌گر محوطه است وجود دارد و به زبان فارسی نیز برگردانده شده است. جالب است که نویسندگان در جاهای دیگر کتاب از این منبع استفاده کرده است، اما مشخص نیست که چرا در جای دیگر منابع دست‌چندم را به منابع دست‌اولی که در دست‌رس بوده‌اند ترجیح داده است.

#### ۴. نتیجه گیری

تاریخ فرهنگ و هنر/ایران (پیش از اسلام) کتابی است که از نظر چاپ، جلد، صفحه‌آرایی، روانی متن، و سادگی عبارات، کیفیت تصاویر، و بازنمایی‌ها به خوبی از عهده کار خویش برآمده است. کتاب در یک چهارچوب زمانی صورت‌بندی شده و یک سیر تاریخی را پی گرفته است و مرحله به مرحله ویژگی‌های فرهنگی، هنری، آیینی، و تا اندازه‌ای اقتصادی جوامع تاریخی ایران را تا پیش از اسلام بررسی و توصیف می‌کند. با وجود این که این پی‌جویی با افت‌وخیزهایی همراه است، تلاش نگارندگان برای هموار و هم‌گون کردن جریان کلی کتاب تا اندازه قابل قبولی فصول کتاب را یک‌دست کرده است. از این رو، مخاطبان کتاب که به نظر قشر دانشجو و افراد عادی علاقه‌مند به دوران تاریخی ایران است می‌توانند با بهره‌گیری از زبان ساده و روان آن، آشنایی کلی و مختصری را با اصلی‌ترین ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، هنری، و گه‌گاه اقتصادی، اجتماعی، و آیینی جوامع ایران پیش از اسلام حاصل کنند و شناختی ابتدایی از وضعیت فرهنگی و هنری این دوران به دست آورند. با وجود این که نویسندگان در هیچ‌یک از موضوع‌ها و عنوان‌هایی که در مورد آن در کتاب بحث کرده‌اند، عمیق نشده‌اند و فقط اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین توضیحات را در هر مورد بیان کرده‌اند، فراگیر بودن کتاب و تلاش نگارندگان در گردآوری مطالب مختلفی از طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های فرهنگی، هنری، آیینی، اقتصادی، و اجتماعی کتاب را به یک منبع مناسب برای دانشجویان و دیگر مخاطبانی که قصد آشنایی کلی و مختصر با فرهنگ ایران پیش از اسلام دارند، تبدیل کرده است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. با وجود این که در پیش‌گفتار نگارندگان چندان اهداف و علت اصلی نگارش کتاب را بین نمی‌کنند و فقط به مقدمه‌ای کوتاه از سیر تطور فرهنگی ایران و سپس مروری بر محتوای فصول کتاب بسنده می‌کنند، با مروری بر اهداف هر فصل که در ابتدای فصل‌های کتاب به طور مختصر آورده شده، درمی‌یابیم که کتاب به منظور آشنایی دانشجویان با فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام نگاشته شده است و ساختار و محتوای آن نیز دلالت بر همین امر دارد.
۲. البته بین دوره نوسنگی و مفرغ دوره‌ای به نام مس و سنگ نیز وجود دارد که دوره‌ای بسیار سرنوشت‌ساز برای فرهنگ‌های عصر مفرغ است که نویسندگان کتاب از ارائه آن در کتاب صرف نظر کرده‌اند.

۳. در صفحه ۹۰ کتاب زمانی که نویسندگان در حال توصیف تندیس سنگی داریوش هستند که نیمه بالایی آن شکسته و مفقود شده است، اشاره می‌کنند که «از داریوش تندیس در مصر به دست آمده که از سنگ تیره است». تندیس مورد اشاره احتمالاً با توجه به مشخصات و خط هیروگلیفی که (البته در کنار خطوط میخی عیلامی، اکدی، و پارسی باستان) روی آن نقش شده، در مصر ساخته شده است، اما این تندیس یا مجسمه در کاوش‌های فرانسوی‌ها به سرپرستی ژان پرو در سال ۱۹۷۲ در محوطه شوش به دست آمده است و اکنون در موزه ملی ایران نگاه‌داری می‌شود.

### کتاب‌نامه

- آذرنوش، مسعود (۱۳۸۶)، «گزارش مقدماتی کاوش‌های لایه‌شناختی تپه هگمتانه همدان»، در: مجموعه مقالات نهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- دوریه، ژان فرانسوا (۱۳۸۹)، *انسان‌شناسی: نگاهی نو به تحولات جسمانی، فرهنگی و روان‌شناختی انسان*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: خجسته.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۸)، سیلک، ترجمه اصغر کریمی، ج ۱، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۹)، سیلک، ترجمه اصغر کریمی و آریتا همپارتیان، ج ۲، تهران: مرسل.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۳)، *چغازنبیل: زیگورات*، ترجمه اصغر کریمی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مستقیمی، علی‌اکبر و احمد دهقان (۱۳۹۴)، *تاریخ فرهنگ و هنر ایران* (پیش از اسلام)، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- ملازاده، کاظم و معصومه طاهری دهکردی (۱۳۹۰)، «تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه مادی»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، ش ۶.

- Biglari, F. (2007), "The Lower and Middle Paleolithic Occupations of Iran: A Brief Review", in: *Iran, Fragments from Paradise*, Mexico City: Instituto Nacional de Antropología e Historia.
- Vahdatinasab, H. (2011), "Paleolithic Archaeology of Iran", *International Journal of Humanities*, Vol 18 (2).